

«امیرحسین امیرجلالی»؛ نقاش ۳۳ ساله، می‌گوید: «در کشور ما مشکلات هنرمندان نسبت به شاغل دیگر کمتر است. چون مردم ما هنردوست هستند و من فکر می‌کنم هیچ جای دنیا اینقدر برای هنرمند احترام قایل شوند. اکثر مردم حتی اگر استطاعت خرید تابلویی را نداشته باشند، با ابراز احساسات خود هنرمند را دلگرم می‌کنند».

وی افزود: «در حال حاضر مشکل اقتصادی فشار زیادی بر هنرمند نقاش می‌آورد ولی متأسفانه ما صنفی را برای حمایت از نقاشان نداریم تا نقاشان بتوانند دور هم جمع شوند و حداقل بر مشکلات اقتصادی خود فایز بیابند».

«دکتر سمیع آذر»؛ رییس موزه هنرهای معاصر، در این زمینه می‌گوید: «اتحاد و شکل یافتن نقاشان کار موزه را بسیار سبکتر خواهد کرد چون در آن صورت موزه هنرهای معاصر و مرکز هنرهای تجسمی می‌توانند مسؤولیت بسیاری از جشنواره‌ها، نمایشگاهها و برنامه‌های دیگر را به عهده اتحادیه نقاشان بگذارند. بطور کلی هنرمندان با متشکل شدن می‌توانند به صورت دسته جمعی به حل مسائل و مشکلات مربوط به حرفه خود بپردازند و رسیدن به این مرحله، باعث توسعه هنر خواهد شد».

در مورد علت عدم وجود نظم و انسجام در رشته نقاشی، چه در زمینه آموزش و چه در زمینه حرفه‌یی نظرات مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند تنوع و گوناگونی حوزه فعالیت نقاشی این آشفتگی را موجب شده است. ولی اکثریت افراد بر این عقیده هستند که با وجود تمام پراکندگی‌ها و تنوع‌ها باز هم می‌توان به این رشته هنری نظم بخشید یا لاقل تشکیلی به وجود آورد که به نیازهای افرادی که در این زمینه فعالیت می‌کنند رسیدگی کند».

«محمدآزادفرد»؛ فارغ التحصیل رشته نقاشی می‌گوید: «این مسأله که در کشور ما نقاشی هنوز صنف مشخصی ندارد، تا حدودی به جایگاه نقاشی برمی‌گردد. همیشه هنرمند نقاش سعی کرده نسبت به جامعه خودش پیش‌تاز باشد و همینطور هم هست. در تاریخ هم هنرمندان پیش‌تاز را می‌بینیم که چندین دهه جلوتر از نسل خودشان فکر می‌کردند».

متأسفانه در ایران این موضوع باعث یک اشتباه فکری شده یعنی اگر این پیش‌تاز بودن به اشتباه در هنرمند حس خود برتری‌بینی به وجود آورد بین خودش و جامعه یک دیوار جدایی می‌کشد وقتی بین هنرمند و محیط واسطه به وجود آمد، این دیوار در یکدیگر عاجز می‌مانند. این تفکر هنرمند را به سمت یک تفاوتی سوق می‌دهد و باعث می‌شود هنرمندان، دور تو به

زندگی امروزه به مرحله‌یی رسیده که در آن تخصص حرف نخست را می‌زند، در جوامع کنونی شاهد هستیم که افراد دارای تخصص مشترک با اتحاد یکدیگر، تشکیل یک صنف یا مدیریت معین را می‌دهند تا بتوانند در سایه همکاری، همراهی و تبادل نظر در کارها به موفقیت و پیشرفت دست یابند. امروزه با عبور از گوشه و کنار شهر، تابلوهای متعلق به اتحادیه یا صنفهای مختلف از قبیل: صنف جراحان، مهندسان، کفاشان، معلمان، روزنامه نگاران، کاریکاتورسپتا، خطاطان و... را می‌بینیم. این تشکل یا جمعیتها هر چند تحت عناوین مختلف شکل گرفته‌اند ولی همگی یک هدف دارند و آن رسیدن به پیشرفت در سایه همکاری است. یکی از استثنای این قاعده، هنر نقاشی است و این بی‌مهری نسبت به هنر دیرینه‌یی چون نقاشی جای بسی تأسف دارد. می‌توان گفت نقاشی جزو قدیمی‌ترین هنرهایی است که بشر آنها را آموخته؛ انسانهای گذشته حتی در تراشیدن وسایل و ابزار و برقراری ارتباطشان به نحوی از این هنر بهره‌برده‌اند به همین دلیل می‌توان گفت نقاشی رشته‌یی مادر محسوب می‌شود ولی با این حال این رشته هنری، نه تنها هنوز نتوانسته جایگاه معنوی خود را در جامعه ما پیدا کند، بلکه به ظاهر هم مکانی به نام این هنر و برای این هنر وجود ندارد. در این گزارش سعی بر این است که علاوه بر پرداختن به این مهم، گوشه‌یی از مسائلی که افراد این حرفه با آن دست به گریبان هستند، مطرح شود.

گزارشی کوتاه از موقعیت نقاشی و نقاشان

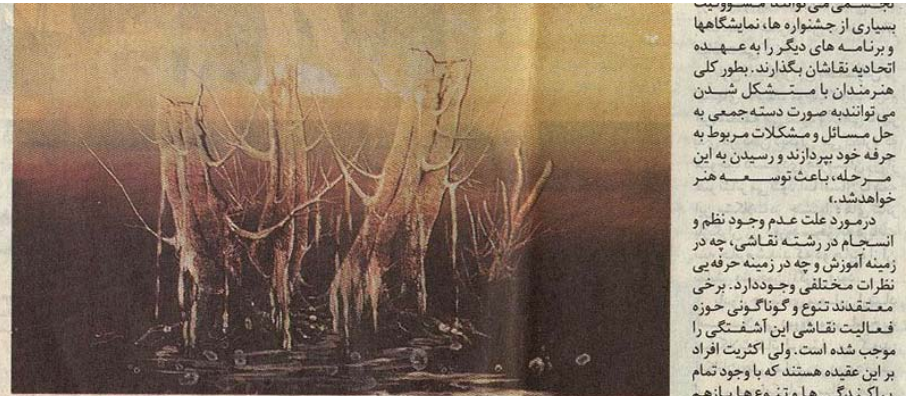
چه کسی از نقاشان پشتیبانی می‌کند؟

میرم پای



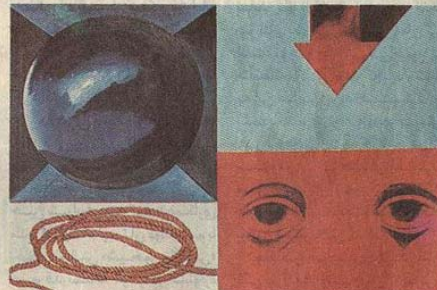
تصویر ذهنی که صداسویمار برخی موارد از نقاشی در ذهن مردم به وجود آورده، مربوط به نقاشی قرن شانزدهم هم نمی‌شود. ارتباط مردم با هنر را می‌توان از طریق ارتباط جمعی، برایی نمایشگاههای متعدد و... تقویت کرد و هنر و هنرمند را به آنان شناساند».

در حال حاضر مرکز هنرهای تجسمی ایران در زمینه نقاشی فعالیت‌هایی را برای حمایت از هنرمندان انجام می‌دهد ولی امکانات موجود پاسخگوی نیاز عده زیادی از هنرمندان نیست. به عنوان مثال مقداری رنگ، قلم مو و... در اختیار نقاشانی قرار دادند که در نمایشگاه مربوط به بوسنی و هرزگوین شرکت کرده بودند. یا تسهیلاتی را برای هنرمندانی که در زمینه بیماریهای خاص فعالیت کردند، قرار دادند ولی این امکانات در حد بسیار محدودی است و نمی‌تواند پاسخگوی حداقل



ارتباط جمعی، برایی نمایشگاههای متعدد و... تقویت کرد و هنر و هنرمند را به آنان شناساند».

در حال حاضر مرکز هنرهای تجسمی ایران در زمینه نقاشی فعالیت‌هایی را برای حمایت از هنرمندان انجام می‌دهد ولی امکانات موجود پاسخگوی نیاز عده زیادی از هنرمندان نیست. به عنوان مثال مقداری رنگ، قلم مو و... در اختیار نقاشانی قرار دادند که در نمایشگاه مربوط به بوسنی و هرزگوین شرکت کرده بودند. یا تسهیلاتی را برای هنرمندانی که در زمینه بیماریهای خاص فعالیت کردند، قرار دادند ولی این امکانات در حد بسیار محدودی است و نمی‌تواند پاسخگوی حداقل



اصول و خط‌مشی مشخص تشکیل شده و در کنار یکدیگر گام بردارند خودبه‌خود باعث حل بسیاری از مسائل و مشکلات از جمله مشکل اقتصادی می‌شوند. و از همه مهمتر هنرمندان در این اتحادیه‌ها می‌توانند با هم ارتباط مستقیم فکری برقرار کنند».

«امیرحسین امیرجلالی»؛ در مورد این مسأله می‌گوید: «شاید یکی از دلایل این باشد که نقاشی رشته‌یی بی‌است که به هنرمندان آن، افراد با تحصیلات آکادمیک پایین هم می‌تواند در آن فعالیت کنند و همین موضوع باعث می‌شود که اکثر نقاشان یکدیگر را قبول نداشته باشند. در نتیجه این اختلافات است که ما هنوز نتوانسته‌ایم تشکیلی داشته باشیم که در آن نقاشان سبکهای مختلف بتوانند دور هم جمع شوند و با همکاری و همفکری یکدیگر مشکلات را از سر راه خود بردارند».

«پروین نیکوزاده»؛ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نقاشی، می‌گوید: «نقاشان، در تابلوهای خود

«پروین نیکوزاده» می‌گوید: «چندی پیش عده‌یی از دانشجویان دانشگاه خردمیان می‌خواستند یک حرکت متحولانه و پر تکاپو انجام دهند. حتی کارهای تبلیغات و نصب پوسترها هم انجام شده بود و افراد این گروه با استقبال سایر دانشجویان دانشگاه هم روبرو شدند ولی بعد از مدتی این شور و حال به دلیل نداشتن برنامه ریزی و مدیریت صحیح به رکود و سکون تبدیل شد».

وی افزود: «تلاش از طرف خودنقاشان هم کم است. بسیاری از آنها می‌گویند مردم ما را درک نمی‌کنند و به این دلیل از فعالیتهای اجتماعی کناره‌گیری کرده‌اند. به نظر من یکطرفه نمی‌توان قضاوت کرد. به هر حال باید یک ارگان یا نهادی برای حمایت از آنها وجود داشته باشد که اگر دولتی باشد بهتر است. در غیر اینصورت هنرمندان خیلی هم همت کنند، سرمایه‌گذاریشان یکی دو سال بیشتر نمی‌تواند دوام بیاورد. در قرون گذشته برای ساختن یک مسجدسالیان سال هنرمندان را تأمین می‌کردند. همین تأمین و حمایت، برای هنرمند دلگرمی محسوب می‌شد و می‌توانست با خیال راحت کارش را انجام دهد. نتیجه این شد که ما امروز می‌توانیم به هنر گذشتگانمان افتخار کنیم».

در جامعه ما تمام مناسبات سرشار از حدودرهای بی‌حد و حصری است که شاید برای غیر هنرمندان اصلاً ملموس نباشد. این حدود هیچوقت آزادی و اجازه تکامل را به هنرمند نمی‌دهد. چون هنرمند خاصیتاً حدودرزمی شناسد و نتیجه این می‌شود که نتواند با زبان پویاتری در هنر گام بردارد».

بیاورد. در قرون گذشته برای ساختن یک مسجدسالیان سال هنرمندان را تأمین می‌کردند. همین تأمین و حمایت، برای هنرمند دلگرمی محسوب می‌شد و می‌توانست با خیال راحت کارش را انجام دهد. نتیجه این شد که ما امروز می‌توانیم به هنر گذشتگانمان افتخار کنیم».

در جامعه ما تمام مناسبات سرشار از حدودرهای بی‌حد و حصری است که شاید برای غیر هنرمندان اصلاً ملموس نباشد. این حدود هیچوقت آزادی و اجازه تکامل را به هنرمند نمی‌دهد. چون هنرمند خاصیتاً حدودرزمی شناسد و نتیجه این می‌شود که نتواند با زبان پویاتری در هنر گام بردارد».

«محمدآزادفرد» می‌گوید: «برای رفع این معضل کافی است هنرمندان به یک باور صحیح برسند و دولت هم بتواند آزادیهایی را که لازمه هنر است، به هنرمند اعطا کند. در چنین شرایطی است که خود به خود



جایگاه یک صنف در نقاشی پیدا شده و مسیر مشخص می‌شود. من به عنوان یک نقاش از سندیکی که در زمینه نقاشی فعالیت می‌کنم انتظار دارم به دور از هرگونه سرسپردگی باشد؛ یعنی آزادانه می‌تواند که به نفع همه است، برای افراد هموار کند».

بیاورد. در قرون گذشته برای ساختن یک مسجدسالیان سال هنرمندان را تأمین می‌کردند. همین تأمین و حمایت، برای هنرمند دلگرمی محسوب می‌شد و می‌توانست با خیال راحت کارش را انجام دهد. نتیجه این شد که ما امروز می‌توانیم به هنر گذشتگانمان افتخار کنیم».

در جامعه ما تمام مناسبات سرشار از حدودرهای بی‌حد و حصری است که شاید برای غیر هنرمندان اصلاً ملموس نباشد. این حدود هیچوقت آزادی و اجازه تکامل را به هنرمند نمی‌دهد. چون هنرمند خاصیتاً حدودرزمی شناسد و نتیجه این می‌شود که نتواند با زبان پویاتری در هنر گام بردارد».

نیازهای هنرمندان هم باشد. آخرین اطلاعات از فعالیت مرکز هنرهای تجسمی حاکی است اتحادیه نگارخانه‌ها که جدیداً شروع به کار کرده، به مسائل مربوط به برایی نمایشگاهها می‌پردازد. انجمن هنرهای تجسمی که تا چندماه پیش عضو می‌گرفت و قرار بود برای اعضا کارت صادر کند، به دلایلی تا اطلاع ثانوی دیگر هیچ عضو نمی‌پذیرد. هنوز برنامه‌ریزیهای این مرکز به حدی نرسیده که به هنرجویان مدرک بدهند. ولی شاید بعدها این پیشرفت هم در زمینه هنر نقاشی ایران صورت

هر مکانی مناسب است و...؛ نظرات نقاشان استفاده کرد. ولی متأسفانه به دلیل نبودن وحدت و مدیریت صحیح بین نقاشان، توانایی‌های آنان ناشناخته مانده است. به عنوان مثال مدتی پیش در کیش برنامه‌هایی برای ارتقای فرهنگی ترتیب داده بودند که در آن مسؤولیت نقاشیهای دیواری را که کار نقاش است به گرافیستها سپرده بودند».

وی افزود: «در جامعه ما هنرمندان، دست‌مط‌ن نشده‌اند،

مفیدشان را مطرح کنند حتی کارهایی را هم که مخصوص نقاشان است به آنها نمی‌سپارند و وظایف خودشان را هم از آنان دریغ می‌کنند. در سازمانها و شرکتها اکثر کارهای هنری به عهده گرافیستها گذاشته می‌شود چون فکر می‌کنند فقط گرافیستها می‌توانند از عهده آنها برآیند».

در صورتی که نقاشان باشناختی که از «ترکیب بندی» دارند نمی‌توانند در بسیاری از موارد حتی بهتر از گرافیست‌ها عمل کنند».